خراسان بزرگ:سال سوم،شماره(۶)، بهار۱۳۹۱
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.3, No. 6, spring 2012

تاریخچه مدارس در خراسانِ عصر سلجوقی

علیرضا روحی [۱]

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۱۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۳/۱۵

چکیده

در تمدن اسلامی ، نهاد آموزشی مدرسه به عنوان عالی ترین مرکز تعلیم و تربیت شناخته می شود . نخستین مدارس ، در خراسان پایه گذاری شدند و عصر سلجوقی ، یکی از درخشان ترین دوره هایِ ساخت وگسترش نهاد آموزشی مدرسه شناخته می شود. در این دوره ده ها مدرسه توسط دانشمندان و امیران در خراسان ساخته شد. تعصبات مذهبی باعث شد تا برخی مدارس ویژه عده ای خاص از طلاب ساخته شود. اداره مدارس از محل اوقاف بوده و عموماً علما متولی اوقاف مدارس بوده اند . در مواردی نیز امیران این امر را عهده دار می شدند . تقریباً همه مدارس دارای کتابخانه بوده اند . اهتمام خواجه نظام الملک به ساخت مدارس باعث شد تا از این پس، ساخت مدرسه از وظایف دولت به شمار آید. حمایت های سلطان سنجر از علم ، باعث رشد و رونق علمی شد. شکست سنجر از قراختائیان در نبرد قطوان، و یورش وحشیانه غزها، و تعصبات مذهبی بین فرقه های مختلف باعث شد تا ضربات سختی بر روند آموزش و ویرانی مدارس، در خراسان عصرِ سلجوقی وارد آید.

واژگان کلیدی

مدرسه ، عصر سلجوقی ، دانشمندان ، تعلیم و تربیت در خراسان ، کتابخانه های مدارس .

[۱]. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

مقدمـه:

آموزش و پرورش در خراسان عصر سـلجوقی بـا ایجـاد مراکز علمی و آموزشی رونقِ بسـیار یافـت . بسـیاری از عالمان و دانشمندان این عصر خـود اقـدام بـه تاسـیس مسـجد ، مدرسـه و یـا خانقـاه مـی کردنـد، چنـان کـه ابوالحسن منیعی ، مهم تـرین مسـجد ایـن عصـر را در نیشابور بنا کرد ، امام قشیری و سمعانی هر یک مدارس مهمی در این شـهر تاسـیس کردنـد. در دوره سـلجوقی صدها مرکز علمی در خراسان پایه گـذاری گردیـد ؛ بـه ویژه اینکه نخستین مدارسِ جهان اسلام ، در خراسان و از نیمه نخست قرن چهارم ، و پیش از ورود سـلجوقیان، پایه گذاری شد .

وجود صدها مرکـز آموزشـی ، باعـث افـزایش مجـالس علمی شد و وعظ و خطابه و تدریس در هر یـک از ایـن مراکز با استقبال بسیار روبه روگردید. این مجالسِ وعـظ و خطابه در حکم مدارسِ عمـومی بودنـد، کـه از رسـوم خاصی پیروی می کردند . واعظـان هـر هفتـه در روز و ساعت معینی به وعظ مـی پرداختنـد . ایـن مجـالس در ارشاد و تنویر افکار مردم نقش بسیار مؤثری داشت .

گرایش و تمایلِ دانشمندان این دوره بـه علـم حـدیث ، باعث شد تا بسیاری از این محافل به این علم اختصاص پیدا کند.

تـأثیر سلجوقیانِ خراسان (سلجوقیانِ بـزرگ) در گسترش نهادهای آموزشی

حمایـت هـای سـلاطین و وزیـران سـلجوقی، از مراکـزِ آموزشی، باعث گسـترش نهادهـای آموزشـی و تشـویق دانشمندان در تاسیس مدارس شد؛ چنان که عبـدالجلیل قزوینی می نویسد : « حقیقت آن است که در بلاد عـالم از بسیط زمین هر خیری که از مسلمانی ظاهر می شـود از مدارس و مساجد و خانقاه و منابر و سـنت هـا نیکـو و دفع بدعت ها به برکات و قوت تیغ آل سـلجوق اسـت» (قزوینی ، ۴۹:۱۳۳۱) .

در ایـن میـان نظام الملک با تـاسیس مدارس نظامیه و ایجاد قـوانین و مقرراتـی خـاص ایـن مـدارس ، نقـش بسزایی در توسعه و گسترش این نهاد آموزشی داشـته و باعث تحول بارزی شد. سلطان سنجر نیـز بـه ایـن امـر توجـه خاصـی نشـان داد و در واقـع حکومـتِ او دورانِ طلایی حیاتِ فرهنگی و تمـدنیِ خراسـان شـمرده مـی شود. دوره طولانی حکومتِ سنجر و آرامش نسبی که در شهرهای مهم و بزرگ خراسان حکم فرما بود، باعث شد تا خراسان به عنوان پناگاه و محل امنی برای دانشمندان شناخته شود. این امنیت و حمایتهای دولتی باعث شد تـا مراکز و نهادهـای متعـدد آموزشـی و بـه ویـژه مـدارس فراوانی در خراسان به وجود آید. راوندی به این حمایتها اشاره کرده و مـی نویسـد: «در عهـد او [سـنجر] خطـه خوراسان مقصد جهانیان شد و منشأ علوم و منبع فضائل و معدن هنر، علمای دین را نیکو احترام فرمودی و تقرب تمام نمودی و با زهاد همراهی تمام داشتی و بـا ایشـان خلــوت کــردی» (راونــدی ، ۱۷۱:۱۳۶۴؛ نیشــابوری، ۴۵:۱۳۳۲)

عوامل نـابودی نهادهای آموزشی

برخی حوادث سیاسی در روند تعلیم و تربیـت، و فعالیـت نهادهای آموزشی به ویژه مدارس، تاثیر منفـی گذاشـت. شکست سـلطان سـنجر از قراختائیـان در نبـردِ قطـوان، باعث نابودی برخی از مراکـز آموزشـی چـون کتابخانـه حسن قطان مروزی شد.گرچه قراختائیـان بـه شـهرهای خراسان آسیب جدی وارد نیاوردند، اما در نبرد با سـلطان سـنجر تعـدادی از دانشـمندان کشـته شـدند. افـرادی همچون شرف الزمان محمد بـن یوسـف ایلاقـی کـه از حکیمان مشهور خراسان بود در این نبرد کشته شد (ابـن فندق،۱۴۲۱: ۱۲۶– ۱۲۵). همچنین ابو الفتح احمـد بـن محمد بخاری از فقیهانِ بیهق ، در این جنگ کشته شـد (ابن فندق، (بـی تـا):۲۴۰). چـون سـنجر در ایـن نبـرد شکست خورد ، آتسز خوارزمشاه موقعیت را مناسب دید و به خراسان حمله کرد و ابتدا سرخس را گرفت و به دیدار امام ابومحمد زیادی رفت. در مرو امام احمـد بـاخرزی ،

اهل مرو را شـفاعت کـرد. خوارزمشـاه ایـن شـفاعت را پذیرفت ، اما چون مردم قیام کردند ، خوارزمشاه شـهر را غارت کرد. در این غارت عده ای از علما کشته شدند؛ از جمله ابراهیم مروزی فقیه شافعی و علی بن محمـد بـن ارسلان که ذو فنون بود و دانش بسیار داشت، و شـریف علی بن اسحاق کـه از بزرگـان مـرو شـمرده مـی شـد. خوارزمشاه پس از سرکوبی قیام، عده زیـادی از علمـای شهر را با خود به خوارزم برد، از جملـه آنهـا ابـو محمـد حرقی فیلسوف، ابو منصور عبادی، قاضی حسین محمـد بودند (ابن اثیر،۱۴۱۵: ۳۱۹/۳۲۱-۹).

آتسز با این کار وقفه ای کوتـاه در مجـالس علمـی و در حیات نهادهای آموزشی و به ویژه مدارس، پدیـد آورد. او عده ای از دانشمندان را کشته و عده ای را بـا خـود بـه خوارزم برد؛ اما بـا بازگشـت سـنجر ، وضـعیتِ علمـی و رونقِ مدارس به حالت قبل بازگشت.

مهم ترین حادثه ای کـه در تعلـیم و تربیـت خراسـان تاثیر منفی گذاشت ، حمله غزان به خراسان بود. شکست سلطان سنجر در مقابل غزها باعث شد تا آنان به صورت وحشیانه ای به خراسان یورش بـرده و تمـامی مراکـز و نهادهای آموزشی خراسان را نابود نموده و عده کثیری از علمـا و دانشـمندان خراسـان را کشـتند. از مشـهورترین علمائی که در این واقعه کشته شدند، محمد بـن یحیـی فقیه مشهور شافعی مذهب نیشـابور بـود. تقریبـا تمـامی منابعی که از حمله غزها سخن گفته اند، شهادت محمـد بن یحیی را با اندوه فـراوان ذکـر کـرده انـد. او شـاگرد غزالی بود و به جهت فتوایی که برضد غزهـا داده بـود و آنها را مهدور الدم شمرده بود؛ بـا شـکنجه شـدیدِ غزهـا کشته شد. غزها آنقدر خاک در دهانش کردنـد تـا فـوت کرد. این اقـدام وحشـیانه غزهـا باعـث تحریـک شـدید احساسات مردم شد و مرثیه هایی برای وی سرودند.

خاقانی در رثای او ابیاتِ مشهوری را سروده است :

در دولت محمد مرسل نداشت کس فاضـلتر از محمـد یحیی فنای خاک

او کرد روز تهلکه دندان فدای سنگ وین کرد روز قتل دهن را فدای خاک

(نیشابوری،۱۳۳۲: ۵۰ ؛ کرمانی۱۳۷۳: ۲۷۹).

غزان به همراه محمد بن یحیی ، سی هزار نفر دیگـر را کشتند و مسـجد جـامع نیشـابور را از کشـته هـا غـرق نمودند.در شرح حال علمای بسیاری اشاره به قتـل آنـان توسط غزها شده است .

در منابع ، مطالب مفصلی درباره نابودی بسیاری از مراکز علمی و نهادهای آموزشی بـه دسـت آنـان آمـده اسـت (مجمل التواریخ و القصص،۱۳۱۷: ۵۲۷-۵۲۶) ، از جملـه مراکز مهمی چون جامع منیعی ، مسجد عقیل و مدرسـه ابوعثمان صابونی ویران گردیدند. ابن اثیر نـام برخـی از علمایی را که در نیشابور، جوین و طـوس کشـته شـدند، ذکر کرده و می نویسد: غزان در نیشابور هرچه کتابخانـه بود سـوزاندند و تنهـا برخـی از آنهـا سـالم مانـد (ابـن اثیر،۱۴۱۵: ۹/۳۸۵). ابن وردی از ویرانی مسجد عقیـل و هفده مدرسه شافعیه و ویرانی کتابخانه ها خبر می دهـد (ابن الوردی،۱۴۱۷: ۲/۶۲).

خاقانی مرثیه ای رسا در این مورد سروده است:

آن مصر معرفت که تو دیدی خراب شد وان نیل مکرمت که شنیدی بر آب شد

آن کعبه وفا که خراسانش نام بود اکنـون بـه پـای پیـل حوادث خراب شد

علاوه بر این، خاقانی مرثیه های دیگری نیز درباره ایـن واقعه سروده است. (خاقانی،۱۳۵۷: ۱۵۵ و ۲۳۷ و ۲۳۹). حمله غزها باعث شد تا مدتها بازار علم از رونـق بیافتـد. ابن فندق که خود معاصر بـا این حمله بوده می نویسـد: «بیهق را در گذشته تهامه صغری خوانـده انـد از کثـرت فضلاء و ادباءکه اینجا بـوده انـد و امـروز طـراوتِ علـم منسوخ شده است و همت طلاب ادب در مهاوی قصور و نقصان افتاده است » (ابن فندق، (بی تا):۲۷۶).

گذشته از حمله غزها ، حوادثی که پس از آن روی داد و پاره ای از تعصباتِ مذهبی، منازعات و کشاکش فرقه ها با یکدیگر باعث شد تا بقایای ویرانی های آنان هم نابود شود. به گفته ابـن اثیـر « بـر اثـر کشـاکش حنفیـان و شافعیان هشت مدرسه از مدارس حنفیه ، هفده مدرسه از شافعیان ویران گردید ، پنج کتابخانه آتش گرفت ، هفت

کتابخانه را هم غارت کردند و کتاب هایی را که به چنگ آورده بودند به ارزان ترین قیمت فروختند . اینها چیزهایی بود که امکان شمردن آن وجود داشت، جز اینها تلفات و خساراتی وارد آمد که امکان شمارش آنها نبود» (ابن اثیر ،۱۴۱۵: ۴۴۸/۹ ؛ ابن الوردی ، ۱۴۱۷: ۶۲/۲).

در این عصر استادان از شیوه های مختلف آموزشی در تربیت شاگردان خود استفاده می کردند. سمعانی(د. ۵۶۲ ه)، از دانشمند این دوره ، در اثر مستقلی که در این زمینه تالیف کرده است ، به بیان شیوه های مختلف آموزشی پرداخته است (ر.ک: سمعانی،۱۹۵۲: ۳۰-۲۲).

ویژگیهای مدارسِ خراسان در عصر سلجوقی مدرسه به عنوان نماد آموزشی عالی که در آن دانشجو به موضوعات علمی مورد علاقه خود به صورت تخصصی می پرداخته است ، شناخته می شود.

تا آنجا از منابع بر می آید، نخستین مدرسه در خراسان و توسط ابوالحسن محمد بن شعیب بیهقی (د ۳۲۴ ه) تاسیس شد و به نام مدرسه کوی سیار و نیز مدرسه بیهقی خوانده می شد [ابن فندق، (بی تا):۵۸ ؛ ابن خلکان،۱۳۶۴: ۳/۱۶۸) . از این زمان به بعد، به تدریج ساخت و گسترش مدرسه در همه نواحی خراسان گسترش یافته و مدرسه به عنوان یکی از مهمترین نهادهای آموزشی و جزء جدانشدنی آموزشِ عالی تلقی می شد. در دوره سلجوقی ، خراسان شاهد ایجاد ده ها مدرسه در شهرهای مختلف بود که برخی از آنها از مهمترین مراکز آموزشی جهان اسلام در آن عصر شمرده می شوند . در واقع مدرسه به عنوان مرکزی که به صورت تخصصی به مسائل علمی می پرداخت ، شناخته می شد و این امر یکی از عوامل انتقال آموزش از مسجد به مدرسه بود.

نخستین مدارس توسط استادان و دانشمندان مشهور و بیشتر از اموال شخصی ایشان ساخته می شد . در این مدارس از استادان متعددی برای تدریس درس های مختلف دعوت می شد. به تدریج ساخت مدرسه برای بسیاری از علماء در حکم یک امر ساده و معمولی و تا حدی رسم مرسومی درآمد. این مدارس به نام سازنده اش نامیده می شد.

بسیاری از خاندانهای مشهور علمی نیز در این عصر به ساخت مدارسی در خراسان روی آوردند. توجه خواجه نظام الملک به ساخت مدرسه موجب شد تا نهضت مدرسه سازی شتاب بیشتری به خود بگیرد و برخی از شهرهای بزرگ چون نیشابور ، صاحب ده ها مدرسه شوند که بر هر یک از آنها نظام اداری منظم و دقیقی حاکم بود.

بسیاری از مدارس برای پیروان مذهب خاصی ساخته شده بود و در این میان شافعان به جهت کثرتشان بیش از دیگر مذاهب به این امر اهتمام داشتند. در مواردی دانشجویان برای عالم و دانشمندی خاص، مدرسه ای می ساختند چنان که در نیشابور دو مدرسه برای این منظور ساخته شد (سبکی ،۱۳۸۶: ۱۲۸و۴/۲۵۶) . اداره مدرسه از محل اوقاف بود. موقوفات ، متولی و ناظری داشت که بودجه های مدرسه توسط او هزینه می شد ، چنان که ابوعبدالله حاکم نیشابوری (۴۰۵ – ۳۲۱)متولی مدرسه دارالسنه بود (همان ، ۴/۱۵۹ ؛ الفارسی ،۱۳۶۲: ۱۱۲). در مواردی مدارس توسط امیران و حاکمان اداره می شد. مدارس نظامیه ، زیر نظر مستقیم خواجه نظام الملک اداره می شد و او برای این مدارس قوانین خاصی را تدوین کرده بود . تعمیر مدرسه ، حقوق و مواجب کارمندان و کارکنان مدرسه به عهده سازنده آن بود. در مواردی ، این سمت موروثی انتقال می یافت.

تدریس در هر مدرسه را دو گروه مدرسان و معیدان بر عهده داشتند . معید ، تکرار کننده درس بود و مشکلات شاگردان را بر طرف می کرد . استادانی که برای تدریس انتخاب می شدند حتما باید از سطح علمی قابل قبولی برخوردار می بودند . چنان که در شرح حال بسیاری از مدرسان مدرسه بیهقی یا مدرسه دارالسنه به این موضوع برمی خوریم . شروع به تدریس هر مدرس با تشریفات خاصی همراه بود (سمعانی،۱۹۵۲: ۶۳-۵۵) . اطلاعات اندکی در خصوص وجود امکانات رفاهی در برخی از مدارس ذکر شده اما مهم ترین بخش هر مدرسه ،

کتابخانه بوده است که برخی از آنها جزء غنی ترین کتابخانه ها شمرده می شدند.
در این عصر ، مبارزه شدیدی بر ضد علوم عقلی صورت گرفت ، بنابراین در مدارس این دوره ، تدریس این علوم به شدت ممنوع شده بود . فقه ، اصول ، تفسیر ، علوم ادبی ، ریاضی و طب از مهم ترین علوم مورد توجه در هر مدرسه بود.
نظام اصلی تدریس در مدارس، بر پایه قرآن و سنت استوار بود و مدرسان به روش پیامبر در محل درس می نشستند و طالبان علم حلقه وار گرد استاد می نشستند. آنان کتابی را که استاد تالیف کرده بود یا کتاب دیگری را که استاد اجازه روایت داشت بر وی می خواندند و استاد مشکلات آنان را پاسخ می گفت و یا درباره برخی مطالب پیچیده توضیح می داد و چون در آن علم قوی می شدند ، استاد اجازه روایت آن کتاب را به آنان می داد.
سلطان سنجر در امر اداره مدارس دخالت می کرد و برخی از استادان مدارس توسط او انتخاب می شدند . سندی وجود دارد در باب تفویض تدریس چند مدرسه در بلخ به امیر سید ظهیری . در این سند اشاره شده که ظهیری پیش از این نقابت سادات مازندران ، تولیت اوقاف مساجد و مشاهد و مدارس و برپاداشتن مجالس وعظ را داشته است اما چون تصمیم گرفت که به بلخ برود ، تدریس مدرسه تکش ، مدرسه کوزه و مدرسه سرسنگ و غیر آن توسط سنجر به او داده شد . همچنین برپا داشتن مجلس وعظ در مسجد سیمگران و مسجد زرگران و مدرسه اتابکی و رباط ریسمان فروشان و اداره خزانه کتب در این رباط به او داده شد(منتجب الدین ،۱۳۲۹: ۳۵-۳۳) . از این سند مشخص می شود که مدرسان به اموری چون وعظ و خطابه در مدرسه نیز می پرداختند و سلطان سنجر برای آنان ارزش و احترام بسیار زیادی قایل بوده است.
تاسیس مدارس ، وسیله ای جهت اعمال نفوذ دولت بر عالمان شمرده می شد و دولت با این کار می توانست حمایت های مردمی را جذب کند . در مواردی سلطان سنجر با اعمال زور و قوه قهریه سعی در جذب یک عالم به مدرسه ای خاص داشت چنان که نامه ای در دست است که سلطان سنجر از امام محمد غزالی درخواست کرده بود تا در نظامیه نیشابور تدریس نماید، اما غزالی از پذیرفتن این کار سرباز زد و سنجر او را وادار نمود تا به لشکرگاهش در طوس بیاید (غزالی ،۱۳۷۴: ۱۳-۱۲) قراین بسیار دیگری نیز حاکی از دخالت سلطان سنجر در امر آموزش وجود دارد.

مهم ترین مدارس

در عصر سلجوقی مدارس بسیاری تاسیس شد ، و مدارس بسیاری نیز که در سده های پیشین بنا شده بود ، به فعالیت خود ادامه دادند. آن گونه که اشاره شد ، نخستین مدرسه توسط ابوالحسن محمد بن شعیب بیهقی (د ۳۲۴ ه) مفتی شافعیان تاسیس گردید که به مدرسه کوی سیار و نیز مدرسه بیهقی خوانده می شد (ابن فندق، (بی تا):۵۸ ؛ ابن خلکان ،۱۳۶۴: ۳/۱۶۸) . این مدرسه به احتمال زیاد پیش از سال ۳۲۰ هجری تاسیس شده و به دلایل نامعلومی در عصر محمود غزنوی (۳۸۷ – ۴۲۱ ه) از فعالیت بازمانده تا بیهقی دیگری به نام ابوالحسن علی بن حسین (۴۱۴ ه) آن را نوسازی کرد و از دارایی شخصیِ خود، مسکن و هزینه زندگی و ابزار رایگان تحصیل در اختیار استادان و دانشجویان این مدرسه قرار داد. این مدرسه در دوره سلجوقیان، فعالیت گسترده ای داشته و از مهمترین مدارس این عصر شناخته می شود. ابن فندق در شرح حال چند تن از علمای نیمه دوم قرن ششم اشاره به حضور آنان در این مدرسه می کند . از جمله آنان امام الحرمین جوینی است که در این مدرسه علم اصول را آموخت (ابن رجب ، (بی تا): ۳ / ۱۶۹). از مشخصات و نظام اداری این مدرسه مطلب خاصی در منابع نیامده اما روشن است که الگویی برای سایر مدارس گردیده است. دانشجویانی که ساکن این مدرسه بودند وقتشان سه بخش شده بود ؛ یک بخش تدریس ، بخش دیگر املای

حدیث و بخشی تذکیر و وعظ مسلمانان(ابن فندق ،(بی تا): ۱۷۲).

بسیاری از علما به عمران و آبادی این مدرسه توجه خاصی داشتند و هزینه های زیادی را صرف آن می کردند . چنان که در شرح حال حسین بن محمد فوران نقل شده وی این مدرسه را تعمیر نمود و قبرش را در آنجا قرار دارد(ابن فندق ، (بی تا): ۲۳۵).

پس از این مدرسه ، ابوالعباس ، محمد بن اسحاق بن ایوب صبغی (د ۳۴۴ ه) مدرسه دارالسنه را تاسیس نمود و اداره امور تولیتِ اوقاف آن را پس از مرگش به شاگرد خود ، ابو عبدالله الحاکم سپرد (سبکی، ۴/۱۵۹؛ الفارسی، ۱۱۲) . این مدرسه نیز در عصر سلجوقی ، فعالیت گسترده ای داشته است.

در آغاز قرن پنجم هجری ، علمای نیشابور دو مدرسه ساختند و از محمد بن حسن ابن فورک (د.۴۰۶ه) و ابواسحاق اسفراینی (د. ۴۱۸ ه) که هردو از برجسته علما شناخته می شدند، دعوت به تدریس و وعظ درآنها نمودند.(سبکی : ۱۲۸و۴/۲۵۶؛ ابن خلکان : ۴/۲۹۱).

برخی از علماء اقدام به ساخت چند مدرسه برای فقیهان مذاهب مختلف می کردند چنان که ابوالقاسم علی بن محمد بن حسین که از بزرگان دانشمندان و از مردم متمول بیهق بود ، در سال ۴۱۴ ه چهار مدرسه ساخت ؛ مدرسه ای برای حنفیان به نام ابوالقاسم عبدالعزیز جد ابن فندق و مدرسه شافعیان به نام امام ابوالحسن حنانی ، برای کرامیان در یکی از محلات بیهق، و برای سادات و اتباع ایشان و عدلیان و زیدیان مدرسه ای در محله اسفریس به نام ابن ابی الطیب در سال ۴۱۸ ه بنا کرد.

از این چهار مدرسه فقط مدرسه کرامیان تا زمان تالیف تاریخ بیهق (۵۶۳ ه) از بین رفته بود و سایر مدارس باقی بوده و به فعالیت خود ادامه می داد (ابن فندق، (بی تا): ۱۹۴ و ۲۰۵) . ابن فندق در شرح حال ابن ابی الطیب از دو مدرسه صاعدی نیشابوری و مدرسه میان بازار قصبه یاد می کند (ابن فندق ، (بی تا): ۱۸۵) . به احتمال زیاد ، نخستین مدرسه ، توسط خاندان آل صاعد که از فقیهان و قاضیان نامدار خراسان بودند، تاسیس شده است. علاوه بر دانشمندان ، در مواردی پادشاهان نیز در مدرسه سازی با دانشمندان همراه می شدند.

از مدارس مهم این عصر، مدرسه اصحاب شافعی است که توسط اسماعیل بن احمد بن حسین (د۵۰۷ه) بنا شد (الفارسی: ۲۰۰) . در این مدرسه بزرگانی همچون سمعانی به وعظ و خطابه می پرداختند (سبکی : ۳۴۳/۵).

چنان که پیش از این اشاره شد ، بسیاری از علما ، خود مدرسه مستقلی داشته اند از جمله می توان به این مدارس اشاره کرد : مدرسه خلیلیه در بلخ که توسط خلیل بن احمد بن اسماعیل شجری (د.۴۸۱ ه) ساخته شد و تا اواسط قرن ششم هجری بر پا بود. خلیل بن احمد رئیس علمای بلخ بود و در مدرسه اش عده زیادی از دانشجویان از او استفاضه می کردند (ابن عمر،۱۳۵۰: ۳۳۳) . ابو حامد محمدغزالی (۵۰۵-۴۵۰ ه) از دانشمندان مشهور این دوره پس از بازگشت به طوس مدرسه ای برای فقیهان بنا کرد و اوقافی برای آن پدید آورد (سبکی : ۲۰۰/۶) . ابوعثمان صابونی از دیگر دانشمندان این عصر است که در مدرسه اش در نیشابور در محله حرب تدریس می کرد و پس از مرگش همان جا دفن شد (سبکی : ۲۷۱/۴ ؛ سمعانی : ۵۰۶/۳ ؛ الفارسی: ۱۷۶) . مدرسه ابوالقاسم قشیری (الفارسی: ۱۲۰ و ۶۲۸) ، از مدارس مشهور خراسان بوده که دانشمندان بسیاری از آن فارغ التحصیل شده بودند. از دیگر مدارس این دوره ، مدرسه ابوحاتم خطبی (د ۴۸۸ ه ، الفارسی: ۸۶) و مدرسه احمد بن محمد بن عبیدالله (د ۴۲۱ ه) است که تا زمان نظام الملک باقی بود (سبکی : ۸۰/۴). مدرسه محمد بن عبدالرحمن بن احمد نسوی (د ۴۷۸) در خوارزم (سبکی : ۱۷۵/۴) ، مدرسه دروازه عراق که محل تحصیل ابوعلی فضل بن حسن طبرسی صاحب مجمع البیان بود [ابن فندق ، (بی تا):۲۴۲] ، مدرسه خرگرد خواف که بقایای آن باقی است و زوزنی مؤلف المصادر در آن تدریس می کرد (زوزنی : ۲۶) ، مدرسه مشطی ، (الفارسی: ۱۱۷) مدرسه سردیه (ابن فندق ، (بی تا): ۲۵۱)، مدرسه احمد منیعی

(سبکی ، ۲۲/۶ :۱۳۸۶) ، مدرسه مبارکه که در سال ۳۹۱ بنا شده بود (الفارسی: ۶۳۶) ، مدرسه احمد بن محمد بستی (سبحانی : ۵۷/۵) ، مدرسه محمد بن عبدالرحمن بن احمد (سبکی : ۱۷۵/۴) ، مدرسه احمد ثعلبی (الفارسی : ۶۹) ، مدرسه ابو سعد زاهد در نیشابور (الفارسی : ۱۰۵) ، مدرسه منصوریه در طوس که محل تحصیل انوری بود (سمرقندی،۱۹۰۰: ۸۳) ، مدرسه الحداد (الفارسی : ۱۴۶) ، مدرسه آلپ چغری بیگ (نسفی ،۱۳۸۷: ۵۷۸) که توسط چغری بیگ حاکم خراسان ساخته شد ، مدرسه السیوری که بیهقی مؤلف دلائل النبوه در آن ساکن بود [الفارسی، ۵۲ و ۱۲۸ :۱۳۶۲] ، مدرسه سعدیه توسط ابوالمظفر غزنوی برادر سلطان محمود در نیشابور ساخته شد ، و از مهمترین مدرسان آن سمعانی مؤلف الانساب بود(الفارسی: ۷۰۷) ، از مدارس مهم صوفیه ، مدرسه ابوعلی دقاق بود (الفارسی : ۵۴۹) مدرسه¬ خواجه امیرک نزل آبادی [ابن فندق ، (بی تا): ۲۰۷) ، مدرسه شرف الملک ابوسعد خوارزمی در مرو که برای حنفیان ساخته شده بود (ابن اثیر : ۴۴/۹ ؛ ابن خلکان : ۴۱۴/۵) ، مدرسه سرهنگ در نیشابور (سبکی :۲۳۳/۷) ، مدرسه ابوالحسن علی بن محمد در سمرقند (نسفی : ۵۷۴) ، مدرسه ی سهل الصعلوکی (الفارسی : ۶۱) ، مدرسه عمیدیه که سمعانی در آن تدریس می نمود (سبکی :/۱۸۲ ؛ الفارسی ، ۷۱). مدارسِ نامبرده شده ، تنها نمونه هایی از، مدارسِ متعدد و زیادی است که در منابع ، ذکرشان آمده است.

رونق علمی در خراسان ، عاملِ اصلی رقابت در تاسیس تعداد زیادی مدرسه بود. در منابع اشاره هایی به کثرت این مدارس شده است. چنان که ابن عمر مشهور به واعظ بلخی در قرن ششم هجری در مورد شهر بلخ می نویسد : « چون عمارت و زراعت و رونق و آبادانی شهر نظام گرفت، به جایی رسید که یک گز زمین شهر را به هزار درم می خریدند و از مساجد آبادان درآن وقت هزار و هشتصد و چهل و هشت بوده و مدارس آبادان چهارصد، و یک هزار و دویست مفتی و نهصد دبیرستان معتبر و پانصد ادیب ماهر و پانصد حمام آبادان و چهارصد گنبد یخدان و سیصد حوض سبیلی » (ابن عمر: ۴۱). گرچه ممکن است این آمار دقیق نباشد اما حکایت از فراوانی این نهاد آموزشی دارد.

در دوره سلجوقی در شهرهای شیعه نشین ، مدارس عالی متعدد به دست بزرگان شیعه ساخته شد و امر تعلیم و تربیت در بین آنها رونق و رواج بسیار یافت. عبدالجلیل قزوینی از نویسندگان این دوره، مدارس و مراکز علمی شیعه را در ری و قم و چند شهر دیگر در مرکز ایران نام می برد و برای هر یک توضیح مختصر می دهد.

(قزوینی : ۱۷۲ –۱۶۴) . او در این مورد می نویسد : « هر رباط و مدرسه که رفیع تر و عالی تر و نیکوتر است همه خواجگان شیعه کرده اند چون مجدالملک و زین الملک که مدرسه وزانیان کرده اند » (قزوینی : ۴۷۳). عبدالجلیل قزوینی در مورد خراسان توصیفاتِ خاصی دارد ، اما به مراکز علمی آن چندان وارد نشده است . از مهمترین مدارسی که به طور قطع از آن شیعیان بوده است ، مدرسه دروازه عراق در بیهق بود که اداره آن را علامه طبرسی برعهده داشت (ابن فندق (بی تا): ۲۴۲) . به هر حال سلاطین سلجوقی ممانعتی در ساخت مدارس شیعی نداشته اند؛ چنان که عبدالجلیل قزوینی توضیح می دهد. تعداد زیاد مدارس شیعه دلیلی بر این مدعا است (قزوینی : ۴۹).

از مهم ترین مراکز علمی این عصر ، مدارس نظامیه است که توسط خواجه نظام الملک وزیر مشهور آلپ ارسلان و ملکشاه سلجوقی تاسیس شد. برخی از منابع ، نظام الملک را بانی مدرسه معرفی کرده اند (ابن خلکان: ۳۹۹/۱) . اما چنان که دیدیم حدود صد و سی سال پیش از تاسیس نظامیه ها در نیشابور مدرسه هایی با نظام اداری جدا از سایر مراکز علمی وجود داشته است . سبکی نیز به این اشتباه پی برده و نام چهار مدرسه را که پیش از نظامیه ها ساخته شده بودند، ذکر می کند (سبکی : ۳۱۴/۳).

نوآوری خواجه نظام الملک در امر مدرسه سازی بیشتر از آن روی بود که وی با موافقت سلطان در تمامی شهرها

و بلاد اسلامی اقدام به بنای مدرسه نمود و این مـدارس با بودجه دولتی ساخته و اداره می شد و از این زمـان بـه بعد ساخت مدرسه ، از وظائف دولت شمرده شـد.خواجـه نظام الملک برای این مـدارس نظـام اداری خاصـی بـه وجود آورد. او دسـتور داد تـا بـرای اقامـت شـبانه روزی مدرسان و طلاب در نظامیه ها حجـره هـایی بسـازند و برای هر یک از آنان خوراک روزانه و مسـتمری ماهانـه ترتیب داد و استفاده از مدرسه را تنها به شافعی مـذهبان اختصـاص داد و بـرای مدرسـه متـولی، خـازن المکتبـه (کتابدار)، بوّاب (دربان) و خادم (خدمتکار) تعیین نمـود . برای تدریس در نظامیه شرایط خاصی را معین کـرد کـه داشتن صلاحیت علمی ، مـذهبی و اجتمـاعی از اصـول اصلی آن شمرده می شد. مدرس بـه هنگـام تـدریس از لباس مخصوصی استفاده می کرد و دو معید سـخنان او را تکرار می کردند. فقه شافعی ، ادبیـات عـرب و علـوم قرآنی از مهم ترین مواد درسی شمرده می شد (کسائی : ۷۶-۷۷) .

نخستین مدرسه نظامیه در بخارا ساخته شد. ساخت ایـن مدرسه عکس العمل علما را به دنبال داشـت زیـرا آنـان معتقد بودند که پس از این افراد عالم نما نیز خود را اهل علم معرفی خواهند کرد (تبریـزی،۱۳۷۳: ۲۸۱) ، مشـابه به این عکس العمل نسبت به تأسیس نظامیه بغـداد بـه وجود آمد، زیرا نظام الملک برای اهل علم مقرری معین کرده بود و این عامل موجب شد تا دون همتان و تنـگ چشمان به آن نزدیک شوند(حاجی خلیفه،۱۴۰۲: ۵۳/۱). مهمترین نظامیه در خراسان ، مدرسه نظامیه نیشابور می باشد. نظام الملک ایـن مدرسـه را بـرای امـام الحـرمین جوینی ساخت و از او دعوت به تدریس در آن کرد و امام الحرمین ، مدت سـی سـال در ایـن مدرسـه بـه تربیـت طلاب مشغول بود (الفارسی: ۵۰۸ ؛ سبکی : ۱۷۱/۵). نظامیه نیشابور ، حدود سال ۴۶۰ ه تاسیس شد (همـائی ،۱۳۴۶: ۴۸) و غزالی و امام محمد بـن یحیـی از مهـم ترین استادان آن پس از امام الحرمین شمرده می شدند . این مدرسه در حمله غزها نابود و ویران شد و امام محمد بن یحیی فقیه مشهور این عصر توسط غزان کشته شد (سبکی : ۲۵/۷ ؛ یافعی، (بی تا):۲۹۱/۳).

شهر مرو نیز که از سابقه علمی و تمدنی بسیار درخشانی برخوردار بود مورد توجه خواجه نظام الملک قرار گرفت و نظامیه ای درآن ساخته شد که تا زمـان یـاقوت حمـوی باقی مانده بود(یاقوت الحموی، ذیل عنوان مرو: ۱۳۴/۵) و سرانجام در اثر حمله مغولان ویران شـد. چنـد نفـر از خاندان سمعانی در این نظامیه تدریس کردنـد(سـبکی : ۴۳/۷). آنان جایگاه علمی والایی در بین دانشمندانِ این مدرسه کسب نمودند. حمایت های سلطان سنجر از علما و مراکز علمی در پایتخت خود ، موجب رونق یافتن بیش از پیش این مدرسه شد. در منابع اشاره های فراوانی بـه رونق علمی بسیار قوی شهر مرو در دوره سلطان سـنجر شده است.

از دیگر شهرهایی که در آن نظامیه ساخته شـد ، هـرات بود. هرات از ویرانی غزها بـه سـبب حصـار محکـم، در امان ماند و مغولان نتوانستند آسیب زیادی به این شـهر بزنند، از ین رو نظامیه هرات تا سال ها پس از تاسیس ، به حیات خود ادامه داد.

نظام الملک به عنـوان یـک شـافعی متعصـب و هـوادار خلافـت عباسـی ، تمـام نفـوذ خـود را بـرای اشـاعه و گسترش مذهب شافعی به کار برد . وی تـلاش کـرد تـا ساختمان امپراطوری سلجوقی را حفظ کرده و بـا کمـک به پیشرفت مذهب سنت در عـراق و ایـران ، بـا قـدرت خلافت فاطمی در قاهره و تبلیغات گسترده آنـان مقابلـه کند . او به عنوان مدافع سنت تـلاش مـی کـرد تـا بـه سرعت با تاسیس نهادهای آموزشی در شرق،آنها را بدیل و همپایه نهادهایی همچون دارالعلم و مساجد سـازد کـه در انـــدلس و مصـــر رونـــق داشـــتند (باســـورث و دیگـــران،۱۳۶۳: ۷۵). در حقیقـــت نفـــوذ روزافـــزون اسماعیلیان از عوامل عمده ای بود کـه نظـام الملـک را تحریک به ساخت مدارسی در جهت مقابله با ایـن نفـوذ کرد . همچنین او برای تقویت مذهب شافعی که پیش از این مورد بی مهری شدید عمید الملک کندری واقع شده بود ، این مدارس را به شافعیان اختصاص داد. بـه لحـاظ اینکه پژوهشهای خاصی درباره نظامیه ها صورت گرفته

است، لذا در اینجا از پرداختن بیشتر به بحث نظامیه ها خودداری می گردد.
تاسیس مدارسِ نظامیه موجب شد تا برخی از بزرگان از او تقلید کنند چنان که شرف الملک صاحب دیوان استیفا ، مدرسه ای در سال ۴۵۹ در بغداد ساخت . همو در مرو نیز مدرسه ی دیگری بناکرد (باسورث و دیگران: ۲۱۳). تاج الملک ابوالغنائم ، رقیب نظام الملک که پس از عزل و قتل نظام الملک به وزارت رسید ، مدرسه تاجیه را در بغداد ساخت . بنای این مدرسه در سال ۴۸۰ه آغاز و سال بعد افتتاح شد. بسیاری از امیران نیز به ساختن مدرسه همت گماشتند و در واقع خراسان به سبب حکومت طولانی و به نسبت آرام دوره ی سلطان سنجر شاهد تاسیس مدارس متعددی بود که برخی از آنها به تقلید نظامیه ها ساخته شد.
با وجود همه اهداف سیاسی و مذهبی که نظام الملک در تاسیس این مدارس داشت ، این مراکز آموزشی را باید از مراکز مهمی دانست که الگویی برای سایر مدارس گردیدند.

کتابخانه های مدارس

از بخش های اصلی هر مدرسه ، کتابخانه آن بود بسیاری از خانقاه ها و مساجد نیز دارای کتابخانه بوده اند. با توجه به این که ، کتابخانه های وابسته از طرف دانشمندان مورد حمایت قرار می گرفت و کتاب های بسیاری وقف آنها می شد و عموم مردم از آن استفاده می کردند ، بنابراین اهمیت این کتابخانه ها، بسیار بیشتر ازکتابخانه های شخصی بوده است. از مهم ترین کتابخانه های وابسته،کتابخانه های مدارس نظامیه و مساجد جامع شهر های بزرگ را می توان برشمرد .
مدرسه بیهقیه که سال ها پیش از نظامیه ساخت شده بود ازکتابخانه ای غنی برخوردار بود. (ابن فندق: ۱۵۸). مدرسه شافعیان نیشابورکه از مدارس مهم صوفیان در این عصر بودکتابخانه ی معتبری داشت که ابو علی دقاق و ابوالقاسم قشیری از آن استفاده می کردند (سبکی: ۳ /۲۴۳) مدرسه سعدیه که توسط ابونصربن سبکتکین ، برادر سلطان محمود غزنوی تاسیس شده بود و تا زمان سلجوقیان باقی مانده بود، دارای کتابخانه بوده است. ابوعثمان صابونی از علمای مشهور نیشابور، مدرسه ای تأسیس کردکه در آن کتابخانه ای غنی داشت و آثار مهمی که تالیف می شد در آن گرد می آوردند. از جمله این آثار، صد مجلد تفسیر قرآن بودکه به دستور خلف بن احمد امیر سیستان، توسط علما و دانشمندان گرد آوری شد و در آن کلیه اخبار و اقاویل مفسران گذشته و چگونگی قرائت لغات آن فراهم شده بود. این مدرسه و کتابخانه آن در حمله غزها به نیشابور از بین رفت (سبکی: ۲۷۱/۴ ؛ سمعانی: ۵۰۶/۳).
ابن فندق ازکتابخانه سرخس و کتابخانه خاتون مهد عراق در نیشابور نام می برد(ابن فندق، (بی تا): ۲۰). ازکتابخانه نخست اطلاعاتی در دست نیست اماکتابخانه دیگر توسط یکی از بانوان خیر آل سلجوق ساخته شد. مدرسه دارالسنه در نیشابور که توسط ابوالعباس محمدبن حسن بن ایوب صبغی در حدود ۳۳۰ ه تاسیس شده کتابخانه ای وقفی داشته است (الفارسی: ۱۱۲)، مدرسه قشیریه(الفارسی: ۶۲۸)، مدرسه شمامی، مدرسه سمعانی، نظامیه هرات و نیشابور (سبکی: ۹۶/۷)، مدرسه مشطی (الفارسی: ۱۱۷)، و سایر مدارس مهم خراسان؛ هر یک دارای کتابخانه ای بوده اند .
مساجد نیز دارای کتابخانه های غنی بودند . جامع منیعی کتابخانه معتبری داشت که در سال ۵۴۸ در حمله غزان از بین رفت (راوندی : ۱۸۰). مسجد عقبل نیز دارای کتابخانه ای غنی بوده و مجمع علما و اهل فضل شمرده می شد. مجموع کتاب های آن را پنج هزار مجلد از انواع مختلف بر شمرده اندکه همه این کتاب ها در حمله غزان آتش زده شد و از بین رفت. در کنار این مسجد، مسعودبن ناصر شجری (د۴۷۷ ه) مدرسه ای ساخت که دارای کتاب هایی نفیس و نایاب بود. یکی ازکتابخانه های مسجد جامع مرو،کتابخانه عزیزیه بود ، که موسس آن عزیز الدین ابوبکر زنجانی ، شربتدار سلطان سنجر بود . او این کتابخانه را وقف عام کرده و نزد سلطان تقرب حاصل کرده بود . این کتابخانه دارای دوازده هزار

جلدکتاب بود. درکنار جامع مرو،کتابخانه شرف الملک و کتابخانه کمالیه قرار داشت (یاقوت الحموی ،۱۴۰۰: ۱۳۴/۵).

نتیجه گیری

نهاد آموزشی مدرسه، عالی ترین مرکز تعلیم و تربیت شمرده می شود. با توجه به اینکه حکومتِ سلطان سنجر، دوره طولانی و تا حدودی آرام داشت و از سوئی، از دانشمندان و علما حمایت های بی دریغی می نمود؛ و همچنین گرایش دانشمندان این عصر به تاسیس نهادهای آموزشی به ویژه مدرسه، باعث شد تا در دوره سلجوقیان شاهد به وجود آمدن تعداد زیادی مدرسه در نقاط مختلف خراسان باشیم. بسیاری از علما اقدام به ساخت مدرسه می نمودند و این امر به تدریج تبدیل به یک امر مرسوم گردید. این مدارس نقش بسیار مهمی در ارتقا و گسترش آموزش داشته اند ، به ویژه اینکه مذهب غالب در این دوره ، شافعی بود و غالب مدارس برای این پیروان این فرقه ساخته می شد، و به جهت مبارزه ای که با علوم عقلی به وجود آمده بود؛ بیشتر به علم حدیث تمرکز می کردند، هرچند که سایر فرق نیز از این رقابت علمی باز نایستادند و شیعیان، حنفیان و کرامیان نیز دارای مدارسی شدند. این مدارس از نظام اداری و تشکیلات خاص آموزشی برخوردار بودند. توصیفاتی که در منابع مختلف شده است ، نشان دهنده وسعت وگستردگیِ ساخت مدارس در خراسان می باشد.

فهرست منابع

ابن اثیر ، ابوالحسن علی بن ابی الکرم (۱۴۱۵)، **الکامل فی التاریخ** ، تصحیح محمد یوسف الدقاق ، بیروت : دارالکتب العلمیه .. ابن خلکان ، ابوالعباس شمس الدین محمد بن ابی بکر، (۱۳۶۴)، **وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان** ، تصحیح احسان عباس ، قم: منشورات الشریف الرضی .

ابن رجب ، زین الدین ابوالفرج عبدالرحمن بن شهاب الدین احمد بغدادی ، (بی تا)، **الذیل علی طبقات الحنابله** ، بیروت : دارالمعرفه.

ابن عمر ، عبدالله ،(۱۳۵۰)، **فضائل بلخ** ، ترجمه عبدالله محمد بن محمد ، تصحیح عبدالحی حبیبی ، تهران : بنیاد فرهنگ ایران.

ابن فندق، علی بن زید بیهقی، (بی تا)، **تاریخ بیهق**، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: کتابفروشی فروغی.

ابن فندق ، علی بن زید بیهقی(۱۴۲۱)، **تتمه صوان الحکمه**، بیروت: دار الکتب العلمیه .

ابن الوردی ، زین الدین عمر بن مظفر (۱۴۱۷)، **تاریخ ابن الوردی** ، بیروت : دارالکتب العلمیه.

باسورث و دیگران (۱۳۶۳)، **تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه** ، گردآورنده ر.ن.فرای، ترجمه حسن انوشه ، تهران :امیرکبیر.

تبریزی، محمد زمان (۱۳۷۳)، **فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد** ، تهران: نشر میراث مکتوب.

حاجی خلیفه (۱۴۰۲)، **کشف الظنون** ، بیروت : دارالفکر .

خاقانی ، بدیل بن علی(۱۳۵۷)، **دیوان خاقانی شروانی**، تصحیح ضیاءالدین سجادی، تهران: زوار.

راوندی ، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۶۴)، **راحه الصدور و آیه السرور** ، به سعی و اهتمام محمد اقبال ، حواشی مجتبی مینوی ، تهران: امیرکبیر.

زوزنی ، حسین بن احمد (۱۳۷۴)، **المصادر** ، به اهتمام تقی بینش ، تهران : نشر البرز.

سبحانی ، جعفر (۱۴۲۰)، **موسوعه طبقات الفقهاء** ، بیروت : دارالاضواء.

سبکی ، تاج الدین ابو نصر عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی (۱۳۸۶)، **طبقات الشافعیه الکبری** ، تصحیح محمود محمد الطناحی و عبدالفتاح محمدالحول ، مصر: مطبعه عیسی البابی.

سمرقندی ، دولتشاه بن علاء الدوله (۱۹۰۰)، **تذکره الشعراء** ، به سعی و اهتمام ادوارد براون، لیدن: بریل.

سمعانی ، عبدالکریم بن محمد (۱۹۵۲)، **ادب الاملاء و الاستملاء** ، لیدن: بریل.

سمعانی ، عبدالکریم بن محمد (۱۴۱۹)، **الانساب** ، تصحیح عبدالله عمر البارودی ، بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع .

غزالی، ابو حامد محمد(۱۳۷۴)، **فضائل الانام من رسائل حجه الاسلام** ، ترجمه عبدالرحیم گواهی ، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

الفارسی، عبدالغافربن اسماعیل(۱۳۶۲)، **تاریخ نیشابورالمنتخب من السیاق انتخاب ابوالسحاق صریفینی**، اعداد محمد کاظم محمودی،(بی جا):انتشارات جماعه مدرسین حوزه علمیه فی قم.

قزوینی، عبدالجلیل (۱۳۳۱)، کتاب النقض، **معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض** ، مقدمه و تصحیح سید جلال الدین ارموی محدث ، تهران: چاپخانه سپهر.

کرمانی، افضل الدین ابوحامد(۱۳۷۳)، **سلجوقیان و غز در کرمان**، تحریر میرزا محمد ابراهیم خبیصی، مقدمه باستانی پاریزی، (بی جا): انتشارات کومش.

کسائی ، نورالله (۱۳۷۴)، **مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن** ، تهران: امیر کبیر.

مجمل التواریخ و القصص ، تصحیح ملک الشعراء بهار مقدمه علامه قزوینی (بی تا)، به همت محمد رمضانی کلاله خاور، چاپ دوم، (بی جا): (بی نا).

منتجب الدین بدیع اتابک جوینی (۱۳۲۹)، **عتبه الکتبه** ، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران : شرکت سهامی چاپ .

نسفی، نجم الدین ابو حض عمر بن محمد(۱۳۷۸)، **القند فی معرفه علماء سمرقند** ، تصحیح یوسف الهادی، تهران: آیینه میراث .

نیشابوری، ظهیر الدین(۱۳۳۲)، **سلجوقنامه**، تصحیح محمد رمضانی،(بی جا):انتشارات کلاله خاور.

همائی، جلال الدین(۱۳۴۶)، **خیامی نامه** ، تهران: انجمن آثار ملی .

یافعی یمنی مکی ، (بی تا)، **مرآه الجنان و عبره الیقظان فی معرفه ما یعتبر من حوادث الزمان** ، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات .

یاقوت الحموی ، (بی تا)، **معجم البلدان** ، تصحیح فرید عبدالعزیز الجندی ، بیروت : دارالکتب العلمیه .